



## امنیت درون منطقه‌ای و ثبات هژمونیک کشورهای خاورمیانه

محمدجواد رشیدی<sup>۱</sup>

فخرالدین سلطانی<sup>۲</sup>

مریم مرادی<sup>۳</sup>

### چکیده

با توجه به ویژگی‌های خاص و متفاوت کشورهای خاورمیانه می‌توان موضوع امنیت درون منطقه‌ای و ثبات هژمونیک در این منطقه را به‌عنوان یکی از دغدغه‌های مهم در تحلیل ماهیت روابط کشورهای منطقه مورد بررسی قرار داد. هدف اصلی پژوهش حاضر امنیت درون منطقه‌ای و ثبات هژمونیک بر این منطقه می‌باشد که برای بازیگران دولتی مهم و حائز اهمیت می‌باشد. سؤال اصلی بر این است که امنیت درون منطقه‌ای چگونه بر ثبات هژمونیک اثرگذار است؟ فرضیه اصلی بر این است که؛ توسعه و تعمیق امنیت درون منطقه‌ای می‌تواند منجر به ثبات هژمونیک و توسعه امنیت پایدار از طریق همگرایی و تنش‌زدایی در حوزه روابط بین دولت‌ها گردد. علاوه بر این تقسیم قدرت میان قدرت‌های منطقه از یکسو و رشد همه‌جانبه روابط اقتصادی، سیاسی و امنیتی از سوی دیگر می‌توان به‌عنوان راه‌حلی برای برون‌رفت از مشکلات پیش روی کشورهای منطقه باشد. روش تحقیق از نوع روش کیفی مبتنی بر توصیفی-تحلیلی است و شیوه گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از روش تحلیل کیفی می‌باشد.

### کلمات کلیدی

بازیگران منطقه‌ای، خاورمیانه، ثبات هژمونیک، آشوب، امنیت پایدار.

۱- دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد بین‌الملل قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران . rashidi.javad159@gmail.com  
۲- استادیار گروه روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول) fakhreddinsoltany@gmail.com  
۳- استادیار گروه روابط بین‌الملل، واحد بین‌الملل قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. moradmaryam@yahoo.com

پیچیدگی وضعیت بازدارندگی بازیگران منطقه‌ای از جمله جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه باعث شده تا تعداد زیادی از بازیگران فراملی و فروملی امنیت خود را در راستای ضدیت و تخاصم با سایر بازیگران تعریف کنند و بر دامنه منازعات و رقابت‌ها در منطقه خاورمیانه بیفزایند. جمهوری اسلامی ایران در چنین وضعیت پیچیده‌ای به دنبال افزایش توان بازدارندگی خود در ابعاد مختلف است. از این رو، پژوهش حاضر درصدد است تا با بهره‌گیری از نظریه آشوب، مدلی برای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه ارائه دهد. از مهم‌ترین ویژگی‌های نظریه حاضر در ارائه مدل برای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران، توجه به پویایی محیط خاورمیانه، خاصیت پیچیده بودن منطقه، توجه به دگرگونی و دینامیک بودن قدرت و رفتار بازیگران در منطقه خاورمیانه است. به لحاظ جغرافیایی، منطقه مورد مطالعه خاورمیانه است که به‌طور مشخص نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیز در آن قرار دارد و از این رو به‌عنوان یکی از بازیگر سیاسی مستقل، نقش مهمی در این منطقه ایفا می‌کند. وجود بازیگران دولتی و غیردولتی متعارض و متضاد از یک طرف و همچنین دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای از سوی دیگر، شرایط پیچیده‌ای را پیش‌روی بازیگران سیاسی از جمله جمهوری اسلامی ایران قرار داده است. با توجه به ویژگی‌های خاص خاورمیانه می‌توان اصطلاح منطقه آشوب و یا پیچیده را بر این منطقه صادق دانست. در این نظم پیچیده نیز جمهوری اسلامی ایران نیازمند قدرت بازدارنده است تا بتواند بر تهدیدات موجود غلبه نماید و فرصت‌های متعددی نیز برای خود خلق نماید. علاوه بر این تقسیم قدرت میان قدرت‌های منطقه از جمله ایران و عربستان راهکار دیگری برای پیدا کردن راه‌حل در وضعیت پیچیده خاورمیانه و کاهش تنش‌ها و مقابله با تروریسم است. از این منظر، منطقه‌گرایی متوجه تلاش جمعی دولت‌ها در یک منطقه خاص و برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های مشترک است که می‌تواند به‌صورت شبکه‌ای، منافع امنیتی سایر بازیگران از جمله جمهوری اسلامی ایران را مورد تهدید قرار دهد. بنابراین تلاش بازیگرانی نظیر ایران که خود را به‌عنوان هویتی شیعی و انقلابی در برابر هویت محافظه‌کار و همسو با منافع غرب معرفی می‌کنند، امری قابل توجه است.

### چارچوب نظری پژوهش

نظریه آشوب<sup>۱</sup> از جمله نظریاتی است که در سایر رشته‌ها از جمله جغرافیا و هواشناسی مطرح شد و سپس وارد حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل شده است. از این جهت می‌توان گفت نظریه آشوب به‌عنوان رویکردی بین رشته‌ای نیز قابل طرح است. ویژگی‌هایی که می‌توانند بیانگر نظریه آشوب تلقی شوند، تأکید بر نظم پیچیده و به عبارتی وجود یک منطق عام و کلی بر مجموعه‌ای از تعارض و تضاد

## امنیت درون منطقه ای و ثبات هژمونیک کشورهای خاورمیانه / رشیدی، سلطانی و مرادی

بازیگران سیاسی است. در لغت به معنی درهم‌ریختگی، آشفتگی و بی‌نظمی است. این واژه به معنی فقدان هرگونه ساختار یا نظم است و معمولاً در محاورات روزمره، آشوب و آشفتگی، نشانه بی‌نظمی و سازمان نیافتگی به نظر آورده می‌شود (اکوانی و موسوی نژاد، ۱۳۹۲: ۳۲). و جنبه منفی دارد. اما در واقع با پیدایش نگرش جدید و روشن شدن ابعاد علمی و نظری آن امروزه دیگر بی‌نظمی و آشوب به مفهوم سازمان نیافتگی، ناکارایی، و درهم‌ریختگی تلقی نمی‌شود، بلکه بی‌نظمی وجود جنبه‌های غیرقابل پیش‌بینی و اتفاقی در پدیده‌های پویاست که ویژگی خاص خود را داراست. بی‌نظمی نوعی نظم غائی در بی‌نظمی است. مطابق این تفکر، دنیا و پدیده‌های آن ساعت گونه عمل نمی‌کنند و از نظم ماشینی برخوردار نیستند. منطق دنیای ما، نظم در بی‌نظمی، یا نظم غایی است. از نظر آنان، این پیچیدگی‌ها هستند که دنیای ما را تفسیر می‌کنند و رویارویی با دنیای فردا را ممکن می‌سازند (الوانی، ۱۳۷۴: ۳۰). رویکرد آشوبی یک رویکرد سیستمی است که علاوه بر اهمیت داشتن ارتباط اجزاء با یکدیگر، تحت تأثیر رابطه جزء و کل نیز قرار می‌گیرند. بدین معنا که رفتارهای خاص از سوی بازیگران، پدیده‌ها و یا موجودات، به شکل قابل توجهی بر سایر رفتارهای محیط اطراف تأثیر می‌گذارد. بدین ترتیب نظام مبتنی بر آشوب، بروز رفتارهای خاصی را از سوی بازیگران اقتضا دارد. مطابق تحلیل وی بازیگران به دو دسته خرد و کلان قابل تقسیم‌اند که هر یک لازم است در سطوح ساختاری، سمت‌گیری و مناسباتی، رفتار خاصی از خود بروز دهند (Gross Stein, 2013: 74) در نظریه آشوب فرض بر این است که در سیستم‌های مختلف، نظم و بی‌نظمی مکمل همدیگرند (Palacio, 2001: 70). روزنا یکی از کسانی است که در عرصه سیاست به این مساله پرداخته و این نظر را ارائه داده است که تلقی‌های تاریخی و پیشینی سیاست امروزه با رشد تکنولوژیک و درهم تنیده شدن جهان، در عرصه سیاست و بازی در رابط بین‌الملل راهگشا نمی‌باشد. او معتقد است که با توجه به سیر شتابان و گسترده تغییرات نمی‌توان و نباید از مفهوم سیاست بین‌الملل استفاده کرد، چرا که در روندی آشکار، تعاملات قوام‌بخش سیاست جهان که بدون مداخله مستقیم ملت‌ها و دولت‌ها رخ می‌دهند بسیار افزایش یافته‌اند. کاهش توانایی دولت‌ها در ارائه راه‌حل‌های رضایت‌بخش برای مسائل عمده، افزایش انسجام و برندگی خرده نظام‌ها و ترویج گرایش‌های مرکزگریز، بازخورد پیامدهای همه عوامل مورد اشاره بر مهارت‌ها و سمت‌گیری‌های افراد بالغ در جهان است (روزنا، ۱۳۸۴: ۹۳). در مقام تحلیل ساختارها، روزنا پارادایم‌های قدیمی را نقد کرده و از ایده شکل‌گیری دو «عالم جهان سیاست» سخن می‌گوید. این جهان جدید مرکب از دو جهان موسوم به جهان دولت محور و جهان چندمرکزی است که از تلفیق دیدگاه‌های سنتی با شرایط نوین پدیده آمده است، تلاش روزنا برای استخراج همپوشانی این دو جهان به او امکان طراحی ساختار تازه‌ای را می‌دهد

## فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۶۰، پائیز ۱۴۰۱

که به‌عنوان ساختار تلفیقی (دو جهانی) از آن یاد می‌شود (Johnson, 2004: 96). بر این اساس، رویکرد سیستمی و جامع‌نگر از ویژگی‌های نظریه آشوب به شمار می‌رود. برخلاف گذار در سیستم‌های بین‌المللی کلاسیک و سنتی که در آن‌ها گذار پدیده‌ای میان جفت واحدهای در حال ستیز با یکدیگر است، سیستمی بودن از مهم‌ترین ویژگی‌های گذار در سیستم‌های پیچیده و آشوبی است (قاسمی، ۱۳۹۷: ۱۶۴). اما اثر پروانه‌ای یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نظریه آشوب برای تحلیل‌های سیاسی است. از این رو مهم‌ترین مفروضات این نظریه در عرصه سیاست به عقیده یکی از نویسندگان می‌تواند به شرح زیر باشد:

۱. سیستم بین‌الملل نوین، سیستمی پویا بوده و بنابراین نظریه سیستم‌های خطی، قادر به پاسخگویی به نیازهای آن نیست؛

۲. نظم درون این سیستم، دارای ویژگی چرخه‌ای نیست؛

۳. سیستم پیچیده و آشوبی بین‌المللی، هرگز در وضعیت تعادلی پایدار قرار نمی‌گیرند، بلکه دوره‌هایی از شبه تعادل دارند؛ گوناگونی متغیرها درون این سیستم و گوناگونی فرایندهای بازخوانی میان اندام‌های آن، سبب گذار و بی‌تعادلی‌های پی‌درپی می‌شود؛

۴. وابستگی حساس بر این سیستم‌ها حاکم می‌باشد؛

۵. این سیستم‌ها به‌گونه‌ای پی‌درپی، در وضعیت حساس قرار می‌گیرند، به‌گونه‌ای که کوچک‌ترین دگرسانی می‌تواند فاجعه‌بار باشد؛

۶. سیستم‌های بین‌المللی پیچیده در وضعیت آشوبی قرار دارند، بنابراین ساماندهی نظم بر پایه آشوبی است؛

۷. سیستم‌های بازدارندگی و موازنه، پایه کنترل نظم و ساماندهی الگوهای رفتاری می‌باشند؛

۸. بازدارندگی خطی در این‌گونه سیستم‌ها، کارآمد نخواهد بود؛ بازدارندگی تحت تأثیر شرایط موردنظر پیچیدگی و آشوب است (قاسمی، ۱۳۹۵: ۷۰-۶۹).

### **پیشینه پژوهش**

وجه تمایز پژوهش حاضر از پژوهش‌های مذکور این است که به دلیل شرایط پیچیده، چندوجهی و شبکه‌ای خاورمیانه از نظریه آشوب بهره برده است که به‌نوبه خود رویکرد جدید محسوب می‌شود و نشان‌دهنده ظرفیت این نظریه برای مطالعه شرایط خاورمیانه و به‌طور خاص امنیت درون منطقه‌ای و ثبات هژمونیک کشورهای خاورمیانه در این منطقه را دارد. فرهاد قاسمی (۱۳۹۸) در کتاب «نظریه پیچیدگی، آشوب و جنگ در روابط بین‌الملل» به توضیح مدل‌های مختلف تحلیلی در سیستم بین‌الملل

## امنیت درون منطقه ای و ثبات هژمونیک کشورهای خاورمیانه / رشیدی، سلطانی و مرادی

می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با استفاده از مدل‌های جدید در عرصه روابط بین‌الملل، وضعیت پیچیده و آشوبی را در مراحل مختلف تکامل، گذار و پیوند آن با جنگ موردبررسی قرار دهد. نویسنده در خلال مباحث خود به این نتیجه می‌رسد که میان سیستم‌های پیچیده و آشوبی در دوره کنونی و حوزه مطالعات راهبردی ارتباط زیادی وجود دارد و از این رو مهم‌ترین ویژگی‌های این سیستم، تکامل، گذار و پیوند آن با سیستم‌های چندقطبی، متکثر و هوشمند است. انعامی علمداری، شفیعی و متقی (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل نظری مدل مدیریت آشوب در ژئوپلیتیک جهانی» بر این عقیده‌اند که سیستم‌های آشوب به‌عنوان مدل‌های تحلیلی از ظرفیت نظری- عملی برای تحلیل فرآیندهای واقعی به‌ویژه در حوزه‌های راهبردی و ژئوپلیتیکی برخوردار می‌باشند. و اینکه جهان آشوب‌زده است و امنیت در یک جهان آشوب‌زده دچار دگردیسی بسیط شده است. فرهادی، هدایتی (۱۴۰۰) در مقاله «آینده نظم منطقه‌ای خاورمیانه در افق ۲۰۳۰» بر این عقیده‌اند که خاورمیانه با آشوب روبه‌روست. این آشوبناکی، خاورمیانه را با تراکم فزاینده بحران‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی روبه‌رو کرده است. این بحران‌ها، چالش‌های متعدد ژئوپلیتیکی را علیه همگرایی و در نتیجه کاهش اقتدار کشورهای منطقه را سبب شده است. موسوی نیا (۱۴۰۰) در مقاله «آسیب‌شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر نظریه همسایگی» اشاره می‌نماید که آغاز روابط خارجی کشورها و نقطه شروع منطقه‌گرایی درون‌زاست. صلح و ثبات نسبی و کاهش تدریجی مداخلات منفی قدرت‌های برون منطقه‌ای از پیامدهای تحقق سیاست همسایگی و آغاز منطقه‌گرایی درون‌زاست. منطقه‌گرایی موفق در اروپا، آمریکای شمالی و شرق آسیا نیز از سیاست همسایگی آغاز شدند. فرجی (۱۳۹۹) در مقاله «راهبردهای سیاست خارجی در وضعیت گذار قدرت: ایران و عربستان سعودی» بر این عقیده است که: اصولاً گذار، پدیده‌ای رایج در سیستم بین‌الملل از زمان پیدایش آن می‌باشد و یکی از مناطقی که شدیداً تحت تأثیر وضعیت گذار قرار دارد، خاورمیانه است و دو بازیگری که به شدت از این پدیده متأثر هستند، ایران و عربستان می‌باشند. یزدان پناه درو، دولتی (۱۴۰۰) در مقاله «نقش ژئوپلیتیک کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در امنیت منطقه‌ای (مطالعه موردی: ایران و اعراب)» به این مهم اشاره می‌نمایند که در بین مناطق جهان، خاورمیانه و شمال آفریقا به علت دارا بودن همه مؤلفه‌های ذکر شده دارای روابط پیچیده‌تری برای دستیابی به امنیت‌اند؛ از جمله این کشورها می‌توان به ایران اشاره کرد که با وزن ژئوپلیتیک خاص خود بر کشورهای دیگر خواه در سطح منطقه خواه در سطح بین‌الملل اثر می‌گذارد. یاری، عابدی (۱۴۰۰) در مقاله «چالش ژئوکالچری امنیت و ثبات منطقه‌ای در خاورمیانه؛ با تأکید بر ژئوکالچر دینی و مذهبی» به این موضوع اشاره می‌نمایند که دولت‌های خاورمیانه بخش اعظمی از مشروعیت خود را مرهون شریعت اسلام هستند، از این رو یا داعیه‌دار

حکومت اسلامی هستند و یا به نحوی درصدد نشان دادن پایبندی خود به اسلام می‌باشند. با کمی تسامح شاید بتوان گفت که اغلب تعارضات و خشونت‌ها در منطقه خاورمیانه ریشه در تعارضات دینی و به‌ویژه مذهبی دارد.

### **تقابل ایدئولوژی‌ها در خاورمیانه**

شواهد نشان می‌دهد که تحولات پس از خیزش‌های عربی‌اسلامی در کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا شکل جدیدی به ساختار قدرت و روابط میان دولت‌ها در منطقه خاورمیانه بخشیده است. در این میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان به دلیل قرار گرفتن در نقش رهبران بزرگ منطقه، نقش‌های جدیدی برای خود تعریف می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران تحولات مزبور را نشانه‌ای از تحول در میان کشورهای محافظه‌کار به‌سوی نظام مردمی تفسیر می‌کند و خواهان عدم‌مداخله قدرت‌های غربی در تحولات منطقه است. در سوی مقابل نیز عربستان سعودی سعی می‌کند با حمایت از گروه‌های جهادی منطقه، نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های همسو با این کشور را خنثی سازد. این رویارویی مخصوصاً در تحولات سوریه، یمن، بحرین و حتی مصر نیز دیده می‌شود. از این جهت می‌توان گفت تنش‌های منطقه‌ای ایران و عربستان در سال‌های اخیر افزایش چشمگیری داشته است؛ به‌گونه‌ای که حفظ امنیت متحدان منطقه‌ای و ایجاد ناامنی در مناطق غیرخودی به‌عنوان استراتژی‌های اصلی طرفین در نظر گرفته شده‌است. علاوه بر این، تقویت گروه‌های مسلح نزدیک به خود در منطقه از سوی عربستان سعودی که در چارچوب رئالیسم‌تهاجمی قابل تدوین است، منجر به اتخاذ استراتژی رئالیسم‌تدافعی بر مبنای ژئوپلیتیک از سوی ایران شده و حمایت از رهبران نزدیک به خود و حفظ مناطق راهبردی را به همراه داشته است (دهشیری و حسینی، ۱۳۹۵: ۱۱۴). با این حال، عمیق شدن بحران سوریه بر دامنه تخصصات میان دو طرف افزوده است. از سوی دیگر، رادیکال شدن فعالیت‌های مخالفان دولتی در یمن و بحرین می‌تواند زمینه‌ساز بحران گسترده‌تر در منطقه گردد. در این زمینه می‌توان گفت که در دوره کنونی حتی رقابت و تنش میان ایران و عربستان در منطقه به دلیل بحران‌هایی نظیر سوریه و یمن شدت بیشتری یافته است (Salisbury, 2015: 1). به‌طوری‌که پس از آغاز بحران سوریه، کشورهای عربی سرسخت‌ترین مواضع را برعلیه این کشور اتخاذ کردند و عربستان و سپس کویت و بحرین سفرای خود را از دمشق فراخواندند (Hampton, 2014: 7). به‌علاوه عربستان سعودی در راستای مقابله با اقدامات بشار اسد، فشارهای سیاسی و دیپلماتیکی را افزایش داد (Hampton, 2014: 11). در سوی مقابل جمهوری اسلامی ایران جهت نفوذ منطقه‌ای خود، از گروه‌های مخالف ائتلاف عربستان در جنگ یمن حمایت می‌کند و بارها گروه‌های شیعی یمنی توانستند مواضع عربستان را مورد هدف قرار دهند. در این

## امنیت درون منطقه ای و ثبات هژمونیک کشورهای خاورمیانه / رشیدی، سلطانی و مرادی

زمینه مسأله یمن نیز از عمق تنش میان دو قدرت منطقه‌ای یعنی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی حکایت می‌کند (Cordesman, 2015: 205). عربستان سعودی بارها از مداخله ایران در یمن به‌عنوان کشوری که می‌تواند شیعیان را بر علیه عربستان سعودی بسیج کند، انتقاد کرده و حتی در راستای مقابله با نقش‌آفرینی ایران، دخالت‌های خود را در سوریه افزایش داده است. به‌علاوه، تحولات عراق و ظهور داعش نیز از جمله چالش‌های مهمی است که دو طرف را در تقابل با یکدیگر قرار می‌دهد. عراق پس از ایران بیشترین جمعیت شیعه را دارد. این واقعیت به همراه استقرار بیش از ۶۰ درصدی منابع نفتی در مناطق شیعه‌نشین خاورمیانه و رشد سیاسی جوامع شیعی در دهه اخیر، موجب تحول ژئوپولیتیک شیعی منطقه شده است. بنابراین، ایران با بیشترین جمعیت شیعی، پیوستگی مذهب تشیع و منافع ملی در سیاست خارجی و به‌عنوان تنها دموکراسی منطقه خلیج فارس (به همراه عراق کنونی)، در مرکز ثقل قدرت قرار گرفته است. در مقابل، عربستان سعودی به سمت ائتلاف‌سازی و تشکیل بلوک کشورهای سنی علیه بلوک شیعی ایران سوق یافته است (هدایتی شهیدانی و مرادی کلارده، ۱۳۹۶: ۹۹). از سوی دیگر، عربستان در راستای مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران، حمایت این کشور از شیعیان در یمن و بحرین را مداخله در امور متحدان خود و البته تهدیدی برای امنیت ملی تلقی می‌کند. به‌همین دلیل، دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس، عموماً تمرکز خود را بر روی حمایت ایران از حوثی‌های یمنی قرار داده‌اند (Salisbury, 2015: 10). علاوه بر یمن و سوریه، رقابت‌های ژئوپولیتیک ایران و عربستان در بحرین نیز حائز اهمیت است؛ چرا که این کشور از لحاظ جغرافیایی و مسائل هویتی برای طرفین به‌عنوان منطقه نفوذ قلمداد می‌شود (دهشیری و حسینی، ۱۳۹۵: ۱۲۴). بنابراین تغییر رژیم در بحرین نه تنها ترکیب سیاسی این کشور را به نفع اکثریت شیعه تغییر می‌دهد، بلکه نوعی تغییر دومینویی را در کشورهای حاشیه خلیج فارس پدید می‌آورد که برای این کشورها بسیار خطرناک است (غریباق زندی، ۱۳۹۵: ۱۱۴). به همین دلایل باید گفت رقابت‌های گفتمانی میان ایران و عربستان نه تنها در ابعاد ایدئولوژیکی داخلی بلکه در زمینه مسائل منطقه‌ای نیز رنگ‌وبوی رقابت و حتی جنگ‌های نیابتی می‌دهد.

### **قدرت‌طلبی بازیگران منطقه‌ای**

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در نوامبر ۱۹۷۶، اجلاسی از وزرای خارجه خلیج فارس در مسقط عمان برگزار شد و دربارهٔ سازمانی برای همکاری منطقه‌ای به بحث و بررسی پرداختند. تلاش برای حضور عراق و ایران در اجلاس با شکست مواجه شد؛ زیرا عراق تهدید اصلی برای امنیت دیگران تلقی می‌شد و کشورهای عربی به ایران نیز اعتمادی نداشتند. بخش‌هایی از خط میانی در خلیج فارس برای تعیین حفاری نفت ایرانی‌ها و اعراب تا آن زمان در موقعیت ملت‌هپی مورد بحث واقع می‌شد. تصرف سه جزیرهٔ

کوچک مورد ادعای امارات عربی متحده در خلیج فارس توسط ایران، تحقیر و اهانتی نسبت به حاکمیت و اقتدار اعراب تلقی شد؛ اگرچه ایران از ادعای خود بر بحرین دست کشید حتی نام خلیج فارس (عربی در مقابل فارس) مورد مشاجره بود. نه تنها وقوع جنگ میان ایران و عراق، تهدید امنیتی مشترکی برای کشورهای خلیج فارس و شبه جزیره عربستان آفرید، بلکه با حذف ایران و عراق از مذاکرات، راه برای ایجاد سازمان همکاری منطقه‌ای فراهم شد. در ژانویه ۱۹۸۱، در نشست وزرای خارجه اسلامی در طائف، عربستان سعودی، شش کشور عربی خلیج فارس. کویت، عربستان سعودی، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان. با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس موافقت کردند (لانگ، ۱۳۸۸: ۱۲۶-۱۲۵). حتی در ابتدا ایران نیز می‌خواست به عضویت این شورا دربیاید که به دلیل اختلافات شاه ایران با حکام عربی، این مسأله به تعلیق افتاد. سرانجام پس از پیروزی انقلاب اسلامی و خلأ قدرت منطقه‌ای نظیر امریکا و بریتانیا، و از همه مهم‌تر ظهور انقلاب اسلامی، شورای همکاری خلیج فارس با حضور کشورهای عربی منطقه تشکیل شد. در این میان نباید نقش قدرت‌های جهانی را در حمایت از تشکیل شورای همکاری خلیج فارس از نظر دور نگاه داشت. به طوری که با تأسیس شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ میلادی، جامعه اروپا این سازمان را به رسمیت شناخت و گفت‌وگوهای عربی-اروپایی نیز از آن زمان آغاز شد (Koch, 2014: 4). از این زمان به بعد قدرت‌های جهانی نظیر بریتانیا و ایالات متحده که سال‌های طولانی در منطقه حضور داشتند، فرصت را مغتنم شمردند و با حمایت از شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، نقش حامی این کشورها و سازمان تشکیل شده توسط آنان را بر عهده گرفتند. این مسأله نیز سوابق تاریخی متعددی دارد. چنان چه درباره ایالات متحده بیان شد و حتی بریتانیا نیز با هر کدام از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس روابط خوبی در گذشته داشته است. به طوری که مثلاً میان بریتانیا و بحرین رابطه‌ای دیرینه و تاریخی وجود دارد (House of commons, 2016: 3). از طرفی دیگر، نقش بریتانیا در شکل‌گیری خاندان سعودی، رابطه با عمان و حضور در آب‌های خلیج فارس همگی از جمله دلایل تاریخی حضور همیشگی بریتانیا در منطقه بوده است که امروزه به شکل حمایت از شورای همکاری خلیج فارس نمایان شده است. شورای همکاری خلیج فارس از همان روزهای اول سیاست‌های خصمانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد و حتی با طرح مسائلی مانند خلیج عربی، برافروختن آتش مناقشه میان ایران و امارات بر سر جزایر سه‌گانه و اتخاذ راهبرد ضدیت با سیاست خارجی منطقه‌ای ایران، اهداف خود را دنبال می‌کند. به طور کلی می‌توان گفت عواملی نیز باعث تسریع در تشکیل این شورا گردید:

۱. از بین رفتن پیمان نظامی سنتو به‌عنوان یک کمر بند امنیتی در برابر نفوذ و تهاجم شوروی.

۲. تلقی ایران به‌عنوان خطری بزرگ برای کشورهای منطقه از سوی امریکا، بعد از انقلاب ایران.



## امنیت درون منطقه ای و ثبات هژمونیک کشورهای خاورمیانه / رشیدی، سلطانی و مرادی

۳. تغییر محسوس توازن قدرت استراتژیک به نفع شوروی.

۴. عمیق تر شدن مناقشه بین اعراب و اسرائیل.

۵. افزایش عقاید انقلابی در منطقه.

۶. اشغال نظامی افغانستان از سوی شوروی.

در تشریح بیشتر این مسأله می‌توان گفت در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی، کشورهای حاشیه خلیج فارس در رقابت ناشی از جنگ سرد، بیشتر در اردوگاه غرب قرار گرفته بودند و سپس وقوع رویدادهایی چون سقوط شاه در ایران، تصرف سفارت امریکا در تهران و تهاجم شوروی به افغانستان و اشغال آن در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ سبب شده بود تا سیاست‌های امریکا و سایر قدرت‌های غربی در قبال خلیج فارس دچار سردرگمی شود (صادقی‌اول و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۵).

### **تروریسم و ثبات امنیتی**

داعش یک جریان سلفی سنی است که در سال ۲۰۰۴ و تحت عنوان «القاعده عراق» و به دست «ابومعصب زرقاوی» شکل گرفت. اولین ظهور جدید داعش با طغیان شاخه عراقی آن به رهبری «ابوبکر بغدادی» بر دستورات ایمن ظواهری رئیس فعلی القاعده نمایان شد. بر طبق ادعای وزارت کشور عراق نام اصلی ابوبکر بغدادی «ابوبکر عود ابراهیم» است که سابقاً مسؤولیت عضوگیری برای القاعده را بر عهده داشت. بعد از کشته شدن بن‌لادن، بغدادی به‌عنوان یکی از شدیدترین مدافعان انتقام خون رهبر القاعده و رهبری یک سلسله عملیات انتحاری در عراق را بر عهده گرفت (عطارزاده، ۱۳۹۶: ۱۱۹). پس از حمله امریکا به عراق و سقوط دولت صدام، خلأ قدرت گسترده‌ای در این کشور پدید آمد که باعث ظهور قدرت‌های بنیادگرا و رادیکال در این کشور شده بود. داعش نیز یکی از این گروه‌های بنیادگرا به شمار می‌رود. اصطلاح بنیادگرا، اصطلاحی کلی است و اغلب جنبش‌های دینی متعدد در سراسر جهان را در برمی‌گیرد (Peterson and Muller, 1990: 86). به نظر می‌رسد داعش، القاعده و سایر گروه‌های تروریستی در خاورمیانه در زمره گروه‌های بنیادگرای سنی به شمار می‌روند که عقاید متصلب و انعطاف‌ناپذیری را دنبال می‌کنند. بنیادگرایان در کشورهای اسلامی با همه ستیز می‌کنند. آن‌ها هم دولت‌های سکولار و غیردینی در سرزمین‌های اسلامی را عامل بدبختی مسلمانان تلقی می‌کنند و هم غرب و عناصر دست‌نشانده آنان در منطقه را عامل مهمی برای انحطاط مسلمانان می‌دانند. بنابراین راه سعادت، مبارزه با همه قدرت‌های داخلی و خارجی برای رسیدن به بنیاد و اساس اسلام یعنی همان حکومت رسول‌الله (ص) است. در باور بنیادگرایان، این فرهنگ جهانی [غربی] کفرآمیز نه تنها

سرزمین‌های غیراسلامی، بلکه دنیای اسلام را هم آلوده کرده است. تهاجم فرهنگی همراه با بی‌تدبیری‌ها و خودباختگی‌های حاکمان جوامع اسلامی، نفاق و تفرقه‌فزاينده میان مسلمانان و گرایش و شیفتگی افشار و گروه‌های مختلف به فرهنگ و تمدن بیگانه، جهان اسلام را چنان منحط کرده‌اند که به جامعه جهانی پیش از اسلام شباهت دارد و متمایز کردن مسلمان و غیرمسلمان دشوار است. پس در واقع نه تنها غیرمسلمانان یا مسلمانان، بلکه کل بشریت در گمراهی و جهل قرار دارد (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۱۸۷). گروه تروریستی داعش که عنوان کامل آن «دولت اسلامی عراق و شام» است، درصدد است تا خلافت اسلامی را احیا کند و از عراق تا شام را در دست بگیرد و نماینده جهان اسلام گردد. درباره شکل‌گیری داعش دلایل متعددی وجود دارد. برخی آن را به ضعف دولت‌های مرکزی در منطقه نسبت می‌دهند، برخی آن را به دین اسلام نسبت می‌دهند. یعنی فرهنگ دینی بر اعتقاد به «حقایق پرسش‌ناپذیر» متکی است، از اعتقاد به این‌گونه حقایق معنا، محتوا و پیکر می‌گیرد و این حقایق را به‌صورت‌های گوناگون در خود باز می‌تاباند، حتی به‌صورت‌هایی که مستقیماً ارتباطی با دین ندارند، اما از ده‌ها و سدها راه و بیراهه به دین می‌رسند (دوستدار، ۱۳۸۳: ۹۷). همچنین برخی نیز دخالت قدرت‌های خارجی و بیگانه را عاملی برای رشد گروه‌های تروریستی نظیر داعش می‌دانند که در چارچوب آن، نزاع فرقه‌ای و مذهبی را در بین مسلمانان دامن بزنند. به‌طور خاص و صرف‌نظر از مباحث مطروحه درباره چیستی و چرایی شکل‌گیری داعش در سطح کلان، به‌طور خاص درباره سرزمین عراق و سوریه که مبدأ شکل‌گیری داعش بوده‌اند می‌توان گفت بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین سطحی که باعث می‌شود میدانی برای سیطره و نفوذ این گروه‌ها ایجاد شود، نبود یک دولت ملی است که بتواند قدرتش را در محدوده مرزهای ملی اعمال کند. سطح بعدی، شکل‌گیری تعلق ملی در میان نیروهای متعدد است که در این کشورها وجود ندارد و یا ضعیف است. اگر چنین قدرتی وجود داشته باشد که مانع شکل‌گیری زمینه و بستری برای مانور چنین گروه‌هایی شود، بی‌تردید چنین گروه‌هایی وجود نخواهند داشت یا از یک گروه محدود محلی فراتر نخواهند رفت (آذین و سیف زاده، ۱۳۹۴: ۳۶). بدین ترتیب خلاً قدرت در یک بازه زمانی در کشورهای منطقه باعث قدرت گرفتن داعش شده است. به‌علاوه، نقش عوامل خارجی، اندیشه‌های تکفیری کسانی چون ابن حنبل، نزاع شیعیان و اهل سنت بر سر مسائل تاریخی و متعدد و ظهور وسایل ارتباط‌جمعی باعث قدرتمندی این گروه تروریستی شده است. به هر جهت می‌توان داعش را نماینده اسلامی سلفی، بنیادگرا و تکفیری قلمداد کرد که به‌صورت گفتمان بروز یافته یا این گفتمان، بار تاریخی و تشکیل جامعه اسلامی توسط پیامبر (ص) را به تصویر می‌کشد (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۸۰). گروه تروریستی داعش از یک‌جهت با سایر گروه‌های تروریستی شکل‌گرفته در منطقه نظیر القاعده متفاوت است. داعش خود را مقید به تأسیس

## امنیت درون منطقه ای و ثبات هژمونیک کشورهای خاورمیانه / رشیدی، سلطانی و مرادی

دولت اسلامی عراق و شام می‌داند که در یک مکان مشخصی است، و حتی مدعی خلافت اسلامی در سرزمین‌های اسلامی است، اما القاعده خود را فرامرزی تلقی می‌کند و به همین دلیل در منطقه خاورمیانه در مکان مشخصی فعالیت نمی‌کند. همچنین سیر تکامل تدریجی داعش یا همان خلافت اسلامی خود خوانده را باید در دو بُعد نحوه شکل‌گیری و عامل شانس یا تصادف ارزیابی کرد: از جنبه شکل‌گیری و نحوه مطرح‌شدن، قاعده این خلافت برگرفته از دیدگاه و جهان‌بینی خاص مؤسس آن، یعنی ابومصعب الزرقاوی است. بنابراین از این لحاظ، تفاوت‌هایی آشکار میان این گروه و القاعده وجود دارد (صالحی و مرادی نیاز، ۱۳۹۵: ۹۶). به‌رحال داعش از جمله گروه‌های رادیکال تروریستی در منطقه خاورمیانه است که دامنه فعالیت‌هایش اغلب مناطق جهان از جمله اروپا را نیز در بر گرفته است. بهره‌گیری این گروه تروریستی از رسانه‌های جمعی به‌زودی آوازه آن را جهان‌گیر ساخته است. به‌طور کلی می‌توان اهداف داعش را این‌گونه برشمرد:

از میان بردن کامل مرزهای سیاسی موجود در عراق، سوریه و کل منطقه که با تضعیف دول مرکزی و ایجاد جنگ‌های فرقه‌ای در منطقه می‌توان به این هدف، نائل شد.

تأسیس خلافت اسلامی با فتح سرزمینی در عراق و سوریه، حکمرانی در این مناطق و حمایت از مردمان این کشورها در برابر تهدیدهای خارجی.

. دعوت از افراد و نخبگان هم‌رأی و هم‌کیش به قلمرو خلافت اسلامی برای جنگیدن و کار.

. بسط و توسعه قلمرو خلافت اسلامی به خارج از مرزهای این دو کشور و درنهایت، ایجاد جامعه

اسلامی یا همان امت واحد (صالحی و مرادی نیاز، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

ضمن اینکه ویژگی منحصر به فرد داعش به‌عنوان یک گروه تروریستی از منظر تروریسم پسامدرن این است که قوام و دوام خود را از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی می‌گیرد. حضور تأثیرگذار داعش در شبکه‌های اجتماعی و یارگیری‌های گسترده از این طریق، این گروه را به یکی از قدرتمندترین گروه‌های تروریستی در جهان بدل ساخته است. به نظر می‌رسد داعش با هوشمندی خاصی و با شناخت از ماهیت نظام جدید جهانی به این سمت حرکت کرده است. حضور قوی این گروه تروریستی در شبکه‌های مجازی از قبیل توئیتر، فیس‌بوک و یوتیوب و تأثیر قابل‌توجه حضور قوی و اثرگذار بر ذهن و روح کاربران جوان که اطلاعات زیادی ندارند، نیازمند تحقیق و تفحص درباره تأثیرات آن و دامنه نفوذ کاربران اینترنتی است (عطارزاده، ۱۳۹۶: ۱۱۸). بنابراین مقابله با مظاهر جدید تروریسم در خاورمیانه و غرب آسیا نشانگر ایجاد توان بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در برابر این تهدیدات و چالش‌هاست.

## نتیجه‌گیری

رویکردهای موجود در زمینه تقابل و تعامل بازیگران سیاسی در منطقه خاورمیانه از تنوع بالایی برخوردار هستند. باین‌حال تلاش برای دستیابی به امنیت و وجود تنش‌های مذهبی و سیاسی در خاورمیانه نشانگر آشوبی بودن منطقه خاورمیانه است. رویکرد آشوب با گذر از رویه اثباتی و توجه به تنوعات سیاسی در مناطق مختلف بر نقش توان ملی بازیگران مختلف و ارتقای رفتار آنان در سیاست خارجی، رویکردی سیستمی و چندجانبه را در پیش می‌گیرد که برای تحلیل وضعیت منطقه خاورمیانه می‌تواند مفید واقع شود. از این حیث، رویکرد سیستمی از این مزیت برخوردار است که علاوه بر تشریح و تنقیح وضعیت خاص مناطق سیاسی در نقاط مختلف جهان، راهکاری برای برون‌رفت از وضعیت آشوبی و پیچیده نیز ارائه می‌دهد. بنابراین، وجود پیچیدگی در منطقه خاورمیانه و ظهور بازیگران دولتی و غیردولتی در این منطقه، نه تنها به معنای فقدان راهکاری برای ارائه رویه‌ای برای همکاری است، بلکه در صورت لزوم می‌تواند به‌عنوان راهی برای غلبه بر بسیاری از پیچیدگی‌ها و بی‌نظمی‌ها در مناطق مختلفی از جمله خاورمیانه است. بنابراین آنچه با بررسی وضعیت خاورمیانه براساس رویکرد سیستمی به ما دست می‌دهد آن است که غلبه بر پیچیدگی نیازمند درک سیستمی و همه‌جانبه از چالش‌های پیشروی منطقه و در نظر گرفتن تعامل پویای دولت‌ها، عناصر و بازیگران غیردولتی و نقش‌آفرین قدرت‌های فرامنطقه‌ای است که به‌نوبه خود باعث پیچیدگی سیاست خارجی بازیگران در منطقه مزبور شده است. از این منظر، مهم‌ترین هدف، ارائه دو رویکرد مختلف، اما به‌هم‌پیوسته است؛ اول اینکه منطقه خاورمیانه چگونه در یک وضعیت آشوب و چندگانگی به سر می‌برد و دوم، ارائه راه‌حل برای همکاری بازیگران سیاسی در وضعیت پیچیده سیاسی و مذهبی است. محتوای رساله در پاسخ به سؤال اصلی و سؤالات فرعی می‌باشد. و بر اساس سؤالات مطرح‌شده سعی نموده‌ایم که فصول رساله را بر اساس آن‌ها تحلیل و توصیف نماییم. در ابتدا به تحلیل ویژگی‌های تحقیق در قالب سؤالات فرعی مانند؛ مؤلفه‌های مهم منطقه خاورمیانه و مؤلفه‌های بازدارندگی در خاورمیانه از منظر نظریه آشوب اشاره شده است. زیرا با توجه به ویژگی‌های ژئوپلیتیک خاورمیانه و رقابت بازیگران منطقه‌ای از یکسو و منافع قدرت‌های خارجی در این منطقه ژئوپلیتیک از سوی دیگر و شدت مخاصمات و همچنین شکاف‌های سیاسی و ایدئولوژیک بین بازیگران منطقه‌ای از سوی دیگر، اهمیت و ضرورت پرداختن به این مؤلفه‌ها و نقش بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران نسبت به این منطقه با توجه به نظریه آشوب اهمیت دوچندان پیدا می‌نماید. بنابراین سؤالی که پژوهش حاضر مطرح نموده این است که: راهکارهای ارتقای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای نظریه آشوب در منطقه خاورمیانه کدام است؟ به نظر می‌رسد وجود بازیگران سیاسی متعدد در

## امنیت درون منطقه ای و ثبات هژمونیک کشورهای خاورمیانه / رشیدی، سلطانی و مرادی

قالب دولت‌های رسمی، بازیگران غیردولتی نظیر گروه‌های مذهبی و تروریستی و همچنین نقش آفرینی قدرت‌های مداخله‌گر از جمله ایالات متحده نشانگر پیچیده بودن منطقه خاورمیانه است. به همین دلیل، بهره‌گیری از مدل‌های سیستمی و چندجانبه که بتوانند درک جامعی از رفتار سیاسی بازیگران را مورد مطالعه قرار دهند، از اهمیت خاصی برخوردار است. نظریه آشوب به دلیل تشریح وضعیت پیچیده از یک سو و ارائه راه‌حل در دل بی‌نظمی و آشوب از سوی دیگر واجد مزیت خاصی نسبت به سایر نظریه‌های روابط بین‌الملل می‌باشد. سیاست خارجی بازیگران در مناطق مختلف تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد که از جمله مهم‌ترین آنان، میزان متکثر و یا پیچیده بودن مناطقی است که کشورهای مختلف در آن قرار دارند. از این منظر، نقش عوامل منطقه‌ای و جهانی از جمله دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، گرایش‌های ایدئولوژیکی، بازیگران فراملی، گروه‌های غیردولتی مورد توجه است. این وضعیت به‌طور مشخص درباره خاورمیانه به‌عنوان یکی از مناطقی که تحت تأثیر متغیرهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد، مصداق پیدا می‌کند. علاوه بر این، منطقه خاورمیانه دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که نمایانگر نقش مهم این منطقه در معادلات سیاسی و بین‌المللی است. به‌طور مثال، خاورمیانه بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت و گاز در جهان است. ضمن اینکه منطقه خاورمیانه در زمره مناطقی است که تضاد و تعارض‌های قومی و مذهبی و همچنین نزاع‌های فرقه‌ای در آن موج می‌زند. این رویه حتی در دوره معاصر نیز به‌خوبی نمایان است. چه اینکه گسترش ارتباطات و فناوری اطلاعات باعث ظهور گروه‌ها و هویت‌های جدیدی در منطقه شده است که به شکل قابل توجهی می‌تواند معرف منطقه آشوبی باشد. بنابراین خاص‌گرایی از یک‌جهت باعث پیچیده شدن منطقه خاورمیانه نیز شده است. زیرا همواره بر تعداد بازیگران غیررسمی در این منطقه افزوده می‌شود.

## فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۶۰، پائیز ۱۴۰۱

### منابع

- ۱) ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۹)، گفتمان اسلامی و جهانی‌شدن امنیت در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره چهارم، زمستان ۸۹، شماره مسلسل ۵۰، صص ۱۷۵، ۱۹۵.
- ۲) اکوانی، حمدالله، موسوی نژاد ولی (۱۳۹۲)، نظریه آشوب، مدلی برای تحلیل پیچیدگی فضای سیاسی ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم شماره دوم، ۱۹۲، ۱۹۳.
- ۳) آذین و سیف زاده، احمد و آذین (۱۳۹۴)، بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ظهور داعش در خاورمیانه، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و نهم، سال بیست و نهم، شماره ۴، زمستان ۹۴، صص ۲۷، ۵۰.
- ۴) دکم‌جیان، هرایر (۱۳۸۳)، اسلام در انقلاب؛ جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب (بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی)، ترجمه حمید احمدی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات کیهان.
- ۵) دوستدار، آرامش (۱۳۸۳)، امتناع تفکر در فرهنگ دینی، چاپ اول، پاریس: خاوران.
- ۶) دهشیری و حسینی، محمدرضا و محمدحسین (۱۳۹۵)، «ژئوپلیتیک منطقه و روابط ایران و عربستان، فصلنامه روابط خارجی»، سال هشتم، شماره اول، بهار ۹۵، صص ۱۱۱، ۱۴۳.
- ۷) روزنا، جیمز (۱۳۸۴)، آشوب در سیاست جهان؛ نظریه‌ای درباره دگرگونی و پیوستگی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر روزنه.
- ۸) صادقی اول، هادی و دیگران (۱۳۹۱)، مسابقه تسلیحاتی و مدیریت دفاع منطقه‌ای در میان کشورهای حوزه خلیج فارس (۱۹۹۰، ۲۰۱۰)، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۵، پاییز ۹۵.
- ۹) صالحی و مرادی نیاز، جواد و فاتح (۱۳۹۵)، بنیادگرایی اسلامی داعش. القاعده: تمایزهای ساختاری و ایدئولوژیکی، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۹۵، صص ۸۵، ۱۰۷.
- ۱۰) طارزاده، مجتبی (۱۳۹۶)، رسانه، آوردگاه قدرت داعش، فصلنامه علمی-ترویجی جامعه، فرهنگ و رسانه، سال ششم، شماره بیست و دوم، بهار ۹۶، صص ۱۱۷، ۱۳۹.
- ۱۱) غزایاق زندی، داود (۱۳۹۵)، دورنمای رابطه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، سنایورهای محتمل، فصلنامه علوم سیاسی، سال نوزدهم، شماره هفتاد و سوم، بهار ۹۵.
- ۱۲) قاسمی، فرهاد (۱۳۹۵)، سیستم‌های پیچیده و آشوبی: الگوی وابستگی حساس، بازدارندگی و جنگ، فصلنامه سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره سوم، صص ۶۳، ۹۷.
- ۱۳) قاسمی، فرهاد (۱۳۹۷)، گذار در سیستم‌های بین‌المللی پیچیده. آشوبی: ایران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۱۵۸، ۱۹۰.

## امنیت درون منطقه ای و ثبات هژمونیک کشورهای خاورمیانه / رشیدی، سلطانی و مرادی

۱۴) قاسمی، فرهاد (۱۳۹۸)، نظریه پیچیدگی. آشوب و جنگ در روابط بین‌الملل، تهران: نشر دانشگاه تهران.

۱۵) گل محمدی، احمد (۱۳۸۶)، جهانی‌شدن فرهنگ، هویت، چاپ سوم، تهران: نشر نی.

۱۶) لانگ، دیوید ای (۱۳۸۸)، بازتاب انقلاب ایران بر شبه‌جزیره عربستان و کشورهای خلیج فارس، در انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، نوشته جان ال اسپوزیتو، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، چاپ سوم، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران

۱۷) نیاکویی، سید امیر ۱۳۹۳، ارتش و سیاست در خاورمیانه عربی، گیلان، انتشارات دانشگاه گیلان.

۱۸) الوانی، مهدی (۱۳۷۴)، نظریه بی‌نظمی یا نظم غایی و مدیریت، مجله مدیریت دولتی، شماره ۳۱، زمستان ۷۴، صص ۴۱، ۲۹.

۱۹) هدایتی شهیدانی و مرادی کلارده (۱۳۹۶)، «تبیین سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تروریسم تکفیری در عراق و سوریه»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره سی‌ام، بهار ۹۶.

20) Cordesman, Anthony (2015), The Changing Security Balance in the Gulf. Center for Strategic and International Studies, at: [http://csis.org/program/changing security balance. in.the. Gulf](http://csis.org/program/changing%20security%20balance.in.the.Gulf).

21) Hampton, Kelsey. (2014). "Doctrinally and Politically Opposed on the Battlefield in Syria: Iran and Saudi Arabia's Cold War in the Middle East." Chatom House. February 2015.

22) Koch, Christian (2014), Constructing a viable EU.GCC, Kuwait Programmed on Development, Governance and Globalization in The Gulf States, LSE (London School Economic).

23) Palacios. Soledad (2001). Theorio du Chaos at Vision Politico Bareback. University of London.

24) Peterson R. D. Wonder and H. Muller (1999), Social Problems, New Jersey: Prentice. Hall.

25) Salisbury, Peter. (2015). "Yemen and the Saudi –Iranian Cold War". Chatham house, LONDON.

## Intra-regional security and hegemonic stability of the Middle East countries

Mohammad Javad Rashidi<sup>1</sup>

Fakhreddin Soltani<sup>2</sup>

Maryam Moradi<sup>3</sup>

### Abstract

Considering the special and different characteristics of the Middle East countries, the issue of intra-regional security and hegemonic stability in this region can be considered as one of the important concerns in the analysis of the nature of the relations between the countries of the region. The main goal of the current research is intra-regional security and hegemonic stability in this region, which is important for government actors. The main question is how does intra-regional security affect hegemonic stability? The main hypothesis is that; The development and deepening of intra-regional security can lead to hegemonic stability and the development of sustainable security through convergence and de-escalation in the field of relations between governments. In addition to this, the division of power between the powers of the region on the one hand and the all-round growth of economic, political and security relations on the other hand can be a solution to the problems faced by the countries of the region. The research method is a descriptive-analytical qualitative method, and the method of collecting information is library-based and analyzing the collected data using the qualitative analysis method.

### Keywords

Regional actors, Middle East, hegemonic stability, chaos, sustainable security.

---

1- PhD student in International Relations, Qeshm International Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. rashidi.javad159@gmail.com

2- Assistant Professor, Department of International Relations, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. (Corresponding Author) fakhreddinsoltany@gmail.com

3- Assistant Professor, Department of International Relations, Qeshm International Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. moradimaryam@yahoo.com.